

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مارتین کوکشا (Martin Kouksha)

برگردان و افزوده: ا. م. شیری

۰۳ اکتوبر ۲۰۱۲

صادرات دالر و جنگ- بنیان اقتصاد امریکا

به نظر می رسد روز ۱۳ سپتمبر، هراس خرافاتی انسانها از نحسی رقم «۱۳» تقویت گردید. مسأله تزریق نوبتی دالرهایی بی پشتوانه به اقتصاد امریکا درست در همین تاریخ اتفاق افتاد. بنا به اظهارات رئیس هیأت مدیره سیستم فدرال رزرو امریکا، بن شالوم برنانکه، ایالات متحده امریکا موجودی اوراق بهادار بلند مدت خود را از طریق باز خرید آزاد بدهی های مسکن در طول ماه آینده به مبلغ ۴۰ میلیارد دالر، تحت عنوان به اصطلاح «کاهش کمی سوم»، افزایش می دهد. حجم کل پولهایی که قرار است به چرخه بازار وارد شود، مشخص نشده است. رئیس هیأت مدیره فدرال رزرو همچنین گفت که دولت امریکا برنامه عملیات گردشی مبادله اوراق بهادار برای پرداخت ۶۶۷ میلیارد دالر از تعهدات بلند مدت خود را در کوتاه مدت ادامه خواهد داد. تا این لحظه میزان موجودی صندوق ارزی در حدود ۴۰۰ میلیارد دالر بوده است. بدین ترتیب برنانکه عملاً از افزایش آن به میزان بیش از پنجاه درصد خبر داد. رئیس فدرال رزرو با تأکید بر وعده پیشین مبنی بر این که پائین ترین نرخ بهره (۰.۲۵٪) تا پایان سال ۲۰۱۴، کماکان تغییر داده نخواهد شد، موجبات خرسندی بانکداران را فراهم آورد.

به دنبال این اظهارات ارزش سهام در بازارهای بورس بلافاصله افزایش یافت. شاخص استاندارد اندپور ۵۰۰- در ساعت ۱۴ و ۲۴ دقیقه ۱۳ سپتمبر به وقت نیویورک با ۶/۱ درصد افزایش به ۹۲/۱۵۴۹ واحد رسید. درآمد حاصل از مبادله اوراق خزانه داری از ۷۱/۱٪ تا ۷۸/۱٪ افزایش یافت.

جغرافیای اقتصاد

پیامد اجرای طرح «کاهش کمی سوم» چه خواهد بود؟ کمی به عقب برگردیم و به یاد بیاوریم که صادرات اصلی امریکا چیست.

دو «کاهش کمی» اول و دوم باعث «تزیق» ۲/۱ تریلیون دلار به اقتصاد جهانی و افزایش بدهی های دولتی آمریکا به ۱۶ تریلیون دلار تا سپتامبر سال ۲۰۱۲ گردید. بانک مرکزی اروپا در پاسخ به تزیق دلار، به اتخاذ تدابیر مشابه مجبور شد تا از تقویت شدید یورو جلوگیری نماید. این یکی از علل چنین ادامه حیات طولانی یونان بدون اعلام تعویق بدهی بود و امروز نیز گروه کشورهای تهدید کننده ثبات اتحادیه اروپا را (شامل کشورهای پرتغال، ایرلند، ایتالیا، یونان، اسپانیا. مترجم) از فروپاشی اقتصادی نجات می دهد. قیمت نفت و مواد خام «پاداش نوساناتی» اضافی گرفت. قیمت طلا به طور منظم افزایش می یابد.

پس از اعلام طرح «کاهش کمی سوم» همه یک به یک عملاً تکرار می شود:

- قیمت دلار افزایش می یابد. در عرض یک شب ۱۳-۱۴ سپتامبر ۲۰۱۲ با ۳/۳٪ افزایش، از ۱۷۱۸ دلار به ۱۷۷۸ دلار در هر اونس رسید؛

- قیمت نفت افزایش می یابد (۲ دلار در هر بشکه نفت برنت، فقط در ابتدای افزایش قیمتها)، و به دنبال نفت، قیمت گاز نیز بالا می رود؛

- ارزش برابری یورو در مقابل دلار بالا می رود و با عبور از سقف ۳/۱، تا صبح ۱۴ سپتامبر به ۳۰۲۰/۱ می رسد؛

- افزایش قیمت های مواد اولیه و خواربار آغاز شد؛

- شاخص سهام در بازارهای بورس مسیر صعودی طی می کند، به عبارت دیگر، «حبابهای» جدید درست می شوند.

بانک مرکزی اروپا مجبور می شود در «مسابقه کاهش ارزش» شرکت کند، در غیر این صورت، تقویت پول واحد اروپا به حساب کاهش توان رقابتی کالاها و خدمات در اتحادیه اروپا دچار رکود خواهد شد. به کار انداختن ماشین چاپ بانک مرکزی اروپا به سقوط سطح زندگی در کشورهای اتحادیه اروپا منجر گردیده و احتمالاً موجب افزایش محبوبیت سوسیالیستها و ناسیونالیستها خواهد شد که بدون آن هم عملاً برنده همه انتخابات در اروپا هستند. و بالاخره، این سیاست شکاف بین کشورهای وام دهنده و کشورهای وام گیرنده در اتحادیه اروپا را عمق بخشیده و فروپاشی منطقه پولی یورو را تسریع خواهد کرد.

در این شرایط، روسیه و چین می توانند مواضع خود را بهبود بخشند. افزایش بهای نفت و مواد اولیه، افزایش مداخل حاصل از صادرات بودجه روسیه را تضمین نموده، و کاهش ارزش دلار، اجازه می دهد کالاهای چینی هم صرف نظر از افزایش بهای کار در چین، قابلیت رقابتی خود در بازارهای جهانی را در آینده حفظ کنند. ایران هم که نفت خود را با یوان و روپیه به چین و هندوستان می فروشد، می تواند به طور تاکتیکی برنده شود. زیرا این کشورها از خرید نفت ایران امتناع نمی کنند، به عکس، حجم خرید آن افزایش می یابد.

جغرافیای سیاسی

اجرای هدفمند برنامه تزیق نقدینگی به جهان خارج توسط سیستم فدرال رزرو آمریکا (متشکل از اتحاد ۱۲ بانک خصوصی)، به یک نتیجه اجتناب ناپذیر - جنگ های منطقه ئی منجر می گردد. بنا بر این، حوادث موسوم به «بهار عربی»، نتیجه قانونمند دو «کاهش کمی» اول بود. تغییر رژیم در تونس و مصر، جنگ داخلی و حمله نظامی به لیبیا، تجاوز به سوریه، تدارک جنگ علیه ایران، به رسمیت شناختن تقسیم سودان به دو کشور از سوی سازمان ملل متحد، بیش از آن که پیامد بحران اقتصادی جهان باشد، نتیجه تلاشها برای عبور از بحران به حساب

غارت آن کشورهایی است که هیچ نقشی در ایجاد بحران نداشتند ولی به خاطر در اختیار داشتن ذخایر هنگفت طبیعی، می توانند میدان مصرف پولهای نقد چاپ غرب باشند. با این حال، یکسری رژیمهای سیاسی در مقابل این «خریدها» ایستادند و ایستاده اند. آتش جنگ را علیه این رژیمها- هم جنگ اقتصادی (با اعمال تحریمهای گسترده) و هم جنگ تروریستی (به دست مزدوران و افراطیون مسلح) برافروختند.

واضح است که هدف از انتشار نوبتی دالر به وسیله سیستم فدرال رزرو، ایجاد مراکز تشنج جدید در جهان اسلام و «توجیه» مداخلات نظامی امریکا علیه دیگر کشورها می باشد...

بیانیه **بن پرنانکه** به لحاظ زمانی، دقیقاً با آغاز امواج قدرتمند اعتراضات ضد امریکائی ۱۳-۱۴ سپتمبر در شمال افریقا، خاورمیانه، هند، پاکستان و دیگر کشورها همزمان بود. البته، این همزمانی ممکن است یک امر کاملاً اتفاقی باشد. به خصوص این که سال نو اقتصادی امریکا از ماه اکتوبر آغاز می شود و رئیس هیأت مدیره فدرال رزرو با به تعویق انداختن بیانیه خود، هیچ مسأله ای را تغییر نمی داد. اما کارزار تبلیغاتی گسترده در رسانه های جمعی غرب به بهانه پخش فلم تحریک آمیز «بیگناهی مسلمانان» در یوتیوب به شک و تردیدها در باره خودانگیخته بودن چنین اقداماتی دامن می زند. خبرهای مربوط به وجود این فلم، عملاً در تمامی رسانه جمعی به طور هماهنگ انتشار یافت.

باور به این که خبرنگاران رسانه های مختلف به ابتکار شخصی فعالانه به جست و جوی فیلمهای ضداسلامی می پردازند و بلافاصله در باره آنها می نویسند، مشکل است. علاوه بر آن، چنین توجه متمرکز رسانه ها به یک امر متداول، به طور کلی، یک اقدام تحریک آمیز است. لازم به یادآوریست که پدک کش فلم «بیگناهی مسلمانان» در ماه جولای سال جاری در یوتیوب قرار داده شده بود و هیچ واکنش خاصی هم در پی نداشت. اما، فقط پس از پخش چند آنگهی به زبان عربی و شماره تلفن کارگردان آن در چند روز پیش، باعث واکنشهای گسترده گردید. در اینجا معلوم شد، که کارگردان مقیم امریکا... یک مسیحی قبطی مصری تبار بنام ناکول باسیل می باشد! غیر از اینها، مدیریت یوتیوب نیز با اعلام اینکه قصد حذف فیلم جنجالی در مورد محمد پیغمبر را ندارد، ولی آماده است نمایش آن را در برخی کشورها محدود سازد، روغن به آتش پاشید.

البته، همه مسأله این نیست. خبرهایی در باره اطلاع سازمان جاسوسی امریکا از قتل برنامه ریزی شده سفیر امریکا در لیبیا پخش شد. بلافاصله پس از وقوع قتل و آغاز حملات علیه سفارتخانه های کشورهای غربی، واحدهای بیشتری از نیروی دریایی امریکا به مدیترانه فرستاده شدند. قبل از آن اعلام شده بود که کشتیهای جنگی ناتو به طرف سوریه حرکت می کنند. وزارت خارجه امریکا از بستن سفارتخانه های کشورش در برخی کشورها خبر داد که خود این، از احتمال شروع حمله نظامی امریکا علیه این کشورها حکایت می کند.

در همه حال مطابقت های زیادی وجود دارد. علاوه بر این، لازم به تصور نیست که سازماندهی اعتراضات توده ئی در بیست کشور، کار ساده ای است. جمع کردن چند صد تا چندین هزار نفر انسان معترض در یکجا و در یک زمان و سازماندهی حمله به سفارتخانه ها و کنسولگریهای به شدت محافظت شده امریکا و همه اینها به ویژه در یک روز حتی با کمک شبکه های اجتماعی ممکن نیست. تدارک چنین اقداماتی به زمان نیاز دارد. «شبکه موشها» به خاطر هیچ چیز به مقابل گلوله های تفنگداران دریایی امریکا نمی روند. این کارها را انسانهایی از جنس دیگر انجام می دهند. سفیر امریکا در لیبیا را ولگردان خیابانی نکشتند. شبه نظامیان «گروه ۱۷ فبروری» (تاریخ آغاز حمله مسلحانه علیه معمر قذافی) و «گروه پیروان شریعت» او را به قتل رساندند.

پیش به سوی جنگ جهانی جدید؟

تلاشها برای از میان برداشتن عواقب سوداگری مالی از طریق به کار انداختن مکانیسم سودگرانه بسیار بزرگتر از آن، فقط موجب تشدید رویارویی‌ها در جهان می‌گردد. افزایش حجم پولهای در گردش بی‌پشتوانه به مثابه ابزار مبارزه با بحران مالی، بی‌شباهت به خاموش کردن آتش با بنزین نیست.

پولهای اضافی بایستی با چیزی پیوند زده شوند، در غیر این صورت، تورم فوق العاده زیاد اقتصاد جهان را فلج می‌سازد. زیرا همه ارزهای ملی در جهان به دالر آمریکا گره زده شده است.

مکانیسم کاهش هزینه‌های خدمات اجتماعی و دیگر مخارج بودجه تحت عنوان ریاضت اقتصادی تا مدت معینی می‌تواند به مثابه «عامل ارتباطی» عمل کند، زیرا تأثیر آن کوتاه مدت است و میزان پولهای در گردش، چندین ده برابر بیشتر از کل میزان درآمد ناخالص ملی جهان است. قناعت زیاد، ممکن نیست. حجم «پوشش‌ها» بیش از حد بزرگ است (حجم «ابزارهای مالی» در سال ۲۰۰۸ به ۲۰ برابر درآمد ناخالص ملی رسید و در سال ۲۰۱۲ از این هم فراتر رفته است).

تاریخ، غیر از جنگ هیچ راه دیگری را در تلاش برای عبور از بحران مالی جهانی ناشی از ماهیت سرمایه داری به عنوان یک نظام اجتماعی به یاد ندارد. در صورت ادامه سیاست «کاهش کمی» جنگ اجتناب ناپذیر است. فقط نوع جنگ و زمان آن مشخص نیست.

افزوده مترجم:

نرخ برابری دالر ساعت به ساعت در ایران افزایش می‌یابد و از ارزش ریال کاسته می‌شود. بر اساس آخرین خبرها، تا امروز (۱۰ مهر) قیمت هر دالر با ۱۵ درصد افزایش به ۳۴۵۰ تومن رسید. کارشناسان اقتصادی تحریمهای اقتصادی و کاهش ذخیره ارزی کشور را دلیل این رشد جهشی در نرخ برابری دالر و ریال می‌دانند. البته، این دلایل شاید چندان بی‌ربط نباشند و حتی می‌توان دلایل سیاسی را هم بر آنها افزود، ولی نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که هیچکدام از آنها علت نیستند، بلکه معلولند و ناشی از بحران اقتصادی ساختاری سرمایه داری و نظام تک ارزی حاکم بر اقتصاد جهان هستند که به امپریالیسم آمریکا اجازه می‌دهد تا با چاپ بی‌حد و حساب دالرها بی‌پشتوانه و تحمیل دالرهاى آذمخوار به اقتصاد کشورها، ثروتهای جهان را به یغما ببرد، آتش جنگهای متعدد را برافروزد. آنچه که امروز در بازار ایران روی می‌دهد چیزی جز جنگ نام ندارد و نشان می‌دهد جنگی که علیه ایران، علیه استقلال و تمامیت ارضی آن، علیه توده‌های محروم و چپاول شده کشور از سی سال پیش آغاز شده، به سرعت به فاز نهائی خود وارد می‌شود. مجموعه جنگهای به اصطلاح اقتصادی با مدیریت مافیای فراماسونی- صهیونیستی مسلط بر بازارهای مالی جهان، که به ویژه از دهه هشتاد قرن گذشته میلادی ابعاد وسیعی به خود گرفته و بخش اعظم کشورهای جهان را به کام خود فرو برده است، اینک در ایران ادامه دارد.

امروزه دیگر واقعیات و ریشه حوادث گذشته و جاری جهان به قدری روشن است که برشمردن «دلایلی» از قبیل وجود رژیمهای «دیکتاتوری»، «نقض» حقوق بشر، «فقدان» دموکراسی و امثال آنها چیزی جز ادعاهای پوچ و دلیل تراشیهایی عمدی و آگاهانه برای تحریف علل و توجیه دور جدید جنگهای استعماری و تغییر جغرافیای سیاسی جهان نمی‌توان نام داد.

همانطور که شاهدیم، این جنگها تا کنون موجب اشغال، ویرانی و تجزیه رسمی و غیررسمی کشورهایمانند یوگسلاوی، سودان، عراق، افغانستان، سومالی، لیبیا، گردیده، در کشورهایمانند مالی، سوریه، ایران و برخی

دیگر، با تاکتیکهای تروریستی، چه به صورت مسلحانه و چه در شکل اقتصادی ادامه دارد و قربانیان بعدی آن نیز از هم اکنون مشخص است. بنا بر این، ضرورت تغییر نظام مالی- اقتصادی مسلط بر جهان امروز بیش از هر زمان دیگر احساس می شود و هر روز تأخیر در انجام این مهم، موجب اشغال و ویرانی کشورهای بیشتر و ادامه فقر، فلاکت، گرسنگی و کشتارهای میلیونی انسان و انسانیت می گردد.

<http://www.fondsk.ru/news/2012/09/22/eksport-dollarov-i-vojny-osnova-ekonomiki-usa.html>

۱۰ مهر- میزان ۱۳۹۱